

چگونگی برخورد منافع و تضاد نگرش‌ها

غزل سرایی‌های متناقض در مورد اوضاع کشورما
آخرین شوخی ترامپ و روی پله قرارداد "طالب"ها

ارزش‌های قابل قبول یا تقلیدهای غربی و یا تکیه بر اخلاق؟
نوع نگرش به منافع ملی و سیستم موازنه قوا
چگونگی ریالیسم منافع ملی و موازنه قدرت
ایده‌های آرمان‌گرایانه و منش جمعی

تعارض و برخورد منافع زمانی بوجود می‌آید که فرد بخاطر موقعیتش و ادار گردد از از بین منافع خود، منافع سازمانش یا منافع گروه‌های دیگر، صرفن یکی را انتخاب نماید. تعارض منافع باین مفهوم نیز تلقی میگردد که در یک موقعیت، منافع و ترجیحات فردی شخص با وظایف و تعهدات حرفه‌اش در تضاد و تعارض قرار بگیرد. درباره مدیریت تعارض همینقدر گفته میشود که یکی از مهمترین مسایل حوزه ارتباطات در مدیریت برنامه بشمار میرود. شکل‌گیری تعارض در یک تیم، تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. اما در ابتدا باید بدانیم تعارض چیست و چطور می‌توان تعارض را مدیریت نمود. مدیریت تعارض به توانایی شناسایی و مدیریت تعارضات بگونه منصفانه و کارآمد گفته می‌شود. این فرآیند، رسیدگی به ناسازگاری‌ها یا اختلاف نظرها را بدنبال داشته و ناشی از نظرات، اهداف و نیازهای متفاوت می‌باشد. بسخن دیگر، مدیریت تعارض که بمثابة حل و فصل تعارض نیز شناخته میشود، از تعارض جلوگیری نموده و شناخت آن برای یک تیم مدیریتی که میخواهد مسایل محل کار را با موفقیت مدیریت و حل نماید، واجب است. همچنان تعارض منافع بشرایطی گفته می‌شود کافرادی یا نهادها با انتخاب "وظایف خود" یا "منافع شخصی گروه مجزا" مواجه می‌گردند. تعارض منافع یکی از واژگانی است که در عمده‌ترین علوم انسانی مانند حقوق و علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. تعارض منافع/تعارض علایق/تضاد منافع/مناقشه منافع از واژه‌های همسان برای این کلمه است. در کل بمعنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است، بنحوی که میتوان یکی را بردیگری ترجیح داد. بنظر میرسد کلمه تعارض منافع کافی و کامل نیست و کلمه تضاد میتواند جانشین آن شود. تعارض منافع یکی از شاخصه‌های وجود فساد میباشد.

همه بخاطر دارند که در نخستین روزهای سده روان، حملات اولیه قوت‌های هوایی توسط هواپیماهای غول پیکر نظامیان امریکایی تحت نام تعقیب، دستگیری و مجازات رهبران "القاعده" که مسؤل سازماندهی و اجرای حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ پنداشته شده و بمنظور سرنگونی حاکمیت "طالب"ها، بویژه بجرم پناه دادن بر رهبران "القاعده"، بحریم کشور عزیز ما آغاز گردید. اما "القاعده" همچنان به موجودیتش ادامه داده و در عرصه‌های مختلف نبردها، با اقدامات تروریستی متوسل گردید. در وضعیت کنونی، درگیری‌های مسلحانه فراتر از مرزهای کشور ما وسعت و گسترش یافته است. از جمله در کشوری با اسم پاکستان، جایی که بمشکل بهتر از شرایط و وضعیت حاکمیت "طالب"ها در کشور ما بوده و جنگ داخلی بمفهوم واقعی کلمه در آن تجربه می‌گردد. تذکر این مهم فراموش ما نشود که چگونگی موضعگیری قدرتمندترین ائتلاف نظامی جهان با حمایت و پشتیبانی بیطرفانه و خیرخواهانه کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و ایران در مورد وارد عرصه گردیدن مجدد "طالب"ها، ارائه کمک‌ها و معاونت‌های سخا و تمندانه پاکستان و اصل درگیر شدن در اتفاقات و درگیری‌ها در سرزمین متعلق بما افغان‌ها، شایسته توضیح می‌باشد. بر عهده گرفتن صلاحیت بررسی اشتباهات نظامی و یا برجسته نمودن شکست‌ها و عدم موفقیت‌ها در عرصه ارائه کمک‌ها و معاونت‌های اقتصادی، باید متذکر گردید که، بیشترین نفع را در این مورد، آنهایی نصیب می‌

گردند که معاونت های یاد شده را ارائه می نمایند، نه دریافت کننده های کمک ها و معاونت ها، اما بهیچوجه از چند برابر شدن خطا های روانی بزرگتر نمی توان چشم پوشی نمود. بگونه نمونه از محاربه "میوند" می توان نام برد که برای استعمار بریتانیا تحقیرآمیزترین شکست و برای افغان ها بمثابة نماد استقلال، شجاعت و رزمندگی شهروندان کشور عزیز ما مبدل گردید. از جانب دیگر، در شرایط و وضعیت برگزاری نشست سران ناتو در ستراسبورگ که بگونه عمومی در باره کشور عزیز ما افغانستان و اما بدون شرکت و سهمگیری حتی یک شهروند کشور ما، اختصاص داده شده بود، چگونه بتوان از موجودیت یک حاکمیت مستقل سیاسی در کشور سخن گفت. نباید چنین پنداشت که اطلاعات و معلومات در مورد یاد شده بگونه اندکی موجود بود، اما از آغاز سال ۱۳۰۳ تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی، زمانی بود که کشور بر روی محققان خارجی باز گردید. بریتانیایی ها حتی از سال ۱۱۹۴ خورشیدی، اطلاعاتی را در مورد کشور عزیز ما گرد آورده اند. اطلاعات جمع آوری شده حوادث و واقعات پس از سال ۱۳۵۷ خورشیدی، بگونه ای ناقص بودند و بهمین دلیل، آرزو و خواسته های شان اصلن از قوه بفعال مبدل نگردیده و جنبه واقعی بخوبی اختیار نمودند. چنانچه می دانیم که سیاستمداران و نظامیان سایر کشورها آنده از خبرچین ها را ترجیح می دهند که با آنها هم عقیده باشند. اگر هنر جنگ اینست که برای بدترین وضعیت ها، برنامه ریزی نمایند تا بتوانند با اوضاع بوجود آمده مقابله نموده و یا کنار بیایند، شاید بهتر باشد بررسی مسایل مربوط به جابجایی شهروندان، چگونگی موجودیت اردوگاه های اورگان، زندگی شهری و شهرنشینی، ظهور واقعیت های جدید ناشی از جنگ و درگیری های مسلحانه، افزایش نابرابری های اجتماعی، موجودیت دهقانان بی زمین و کم زمین، بر جسته گردیدن همبستگی های قومی و نفوذ اسلام افراطی و... را نیز در مورد کشور عزیز ما در دستور کار قرار داد. قابل یادمانی پنداشته می شود که در کشورهای در حال جنگ و درگیری های مسلحانه، اصل سنجش عینی پیامدهای وضعیت بوجود آمده در آنها نا ممکن بنظر می رسد. در این مورد بگونه ناگزیر باید به حدس و گمان هایی توسل جست. تصور عمده اینست که همبستگی ها و در مقابل در نتیجه وضعیت موجود در کشور، رقابت های قومی برجسته گردیده و همچنان نفوذ و بخش و گسترش اسلام افراطی نیز در حال افزایش می باشد. اما اتحاد کشور و مدرنیزه شدن آن بنام میهن پرستی افغانی، ناسیونالیسم موجود در سایه که هیچگونه و بهیچوجه حضور و موجودیت نظامیان خارجی در قلمرو اراضی متعلق بکشور را نمی پذیرد، بیش از پیش در کشور عمق یافته، ریشه گرفته و مستحکم گردید. وضعیت اینچنینی در تمامی برهه های تاریخی اما با اندک تفاوت همچنان ثابت باقی مانده، اما ملی گرایی و بیگانگی هراسی هنوز هم در کشور ما با تمام قوتش عملن موجود می باشد.

بخاطر ما باشد که در وضعیت حاضر کشور که اسلام در تمامی ابعاد جامعه کنونی افغانی همچنان از موقعیت حاکمی بر خوردار بوده، قبل از هر زمان دیگر در جامعه حضور برجسته داشته، بیشتر از این، دیگر تابع قدرت سیاسی نبوده و بیش از هر موقع دیگر به مدل های موجود در خارج از افغانستان و بمفهوم واقعی کلمه به مدل های دیوبندی و وهابی تمایل بیشتری دارد.

اکثریت قریب بتمام نخبگان و تحصیل کرده های کشور که در امتداد سالهای متمادی با مشکلات فراوان و هزینه های مادی قابل تذکری از تعلیم و فراگیری علوم و دانش عصری و مدرن چه در داخل و چه در خارج از کشور بهره مند گردیدند، با در نظر داشت وضعیت موجود در میهن، بامید زندگی بهتر، راه مهاجرت و اقامت در خارج از محدوده کشور را برگزیده و عرصه زندگی اجتماعی - سیاسی را برای تاریخ اندیش ترین عناصر جامعه رها نمودند.

متأسفانه که کشور عزیز ما به "سلاح کوب" سلاح و تجهیزات جنگی و محاربوی مبدل گردیده است. عده ای از شهروندان کشور هم چنین می پندارند که اگر شهروندان افغان، خواهان افغانستان متحد، یکپارچه و صلح آمیزی باشند، بمنظور تضمین حداقل مشروعیت سیاسی، مانند اجداد و نیاکان خویش، باید ناسیونالیست بوده و موجودیت نیروهای خارجی در سرزمین و اراضی کشور را قاطعانه مردود شمارند، در غیر آن، آنها با کشور تقسیم شده ای روبرو خواهند شد که گروه های متخاصم تادندان مسلح با بکارگیری تسلیحات بسیار کارآمدتر موجود، در قبال همدیگر به صف آرایی هایی مبادرت خواهند ورزید.

در مورد بحران های سیاسی در کشور، بویژه از آغاز سال ۱۳۵۷ خورشیدی و وقایع اتفاقیه آن بایست خاطر نشان گرد که چگونگی وضعیت در کشور عزیز ما با تشکل و شکل گیری بحران هایی مشخص می گردد که برخی از آنها، از جمله و بویژه مانند بحران پدیدار شده ناشی از انکشافات پسین سیاسی در کشور که تاکنون همچنان ادامه داشته و پیا مدهای گسترده داخلی، منطقوی و جهانی را با خود به همراه داشته است.

اما اگر درک و فهم درستی از بحران ارائه نموده باشیم، باین واقعیت نایل خواهیم گردید که مرحله جدی و قابل تأملی

در تحول امور، از جمله جنبه های مختلف تنش و درگیری ها که دربرگیرنده تمام تاریخ کشور، بویژه از سال ۱۱۲۶ خورشیدی (۱۷۴۷ ترسایی)، یعنی در برگیرنده مقطع زمانی ایجاد هسته گذاری دولت افغانستان بمتابۀ واقعیت مستقل، تاکنون می باشد.

در امتداد نیم سدهٔ پسین، کشور عزیز ما افغانستان، با بحران ها و درگیری های مسلحانه ای دست و پنجه نرم نمود که پیامدهای فاجعه باری را برای شهروندان کشور بارمغان آورد. پس از حوادث سپتامبر سال ۲۰۰۱ ترسایی، کشور عزیز ما افغانستان بمنظور مبارزه با تروریسم، با قوت بیشتر از قبل به صحنه کارزار بین المللی بازگشت. اما میهن ما افغان ها قبل از هر مورد دیگری، در یک محیط ژئوپولیتیک منحصربفردی موقعیت داشته و در محلی جا گر فته که مدیریت آن هیچگاهی ساده و بسیط نبوده است.

در این مقطع تذکراین مسأله لازمی پنداشته می شود تا بگونه مختصری هم اگر شده، در مورد درگیری های مسلحانه و برشماری راهای حل شکست خورده در کشور عزیز، بویژه در امتداد سال های ۱۳۵۸ - ۱۳۸۰ و سه جنگ و سه راه حل ناموفقی در کشور ما تجربه گردید که بترتیب عبارت بودند از تهاجم مسلحانه، درگیری های داخلی و جنگ "طالب" ها که مسیر طولانی را در کشور پشت سر گذاشت، حقایقی را بازگو نماییم.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که بویژه پس از رویکار آمدن نخستین حاکمیت جمهوری برهبری محمد داود، تحر کات و اعتراض های اسلام گرا ها و برخی از رهبران سیاسی و نظامی به هدف سرنگونی حاکمیت یاد شده آغاز گردید که در نتیجه چندین تن از رهبران و سازماندهندگان آن دستگیر، محاکمه و اعدام گردیدند. پس از آن اقداماتی علیه آنده از افسران جوانی که در واقعیت امر از متحدان رئیس جمهور پنداشته شده و در خیزش مسلحانه برهبری محمد داود نیز سهم داشتند، نیز آغاز گردید.

اما افسران جوان اردوی کشور، با راه اندازی قیام مسلحانه ای بتاريخ ۷ ماه ثور سال ۱۳۵۷ خورشیدی، حاکمیت یاد شده را سرنگون و پایه گذاری و تشکل جمهوری دموکراتیک را بهمه بشارت دادند. با وجود اینهمه، رژیم و حا کمیت جدید بوجود آمده، با موجودیت نزاع ها و گوناگونی طرزنگاهای قبلی جناحی، بیش از پیش تضعیف گردیده و برای نیروهای عقبگرا عرصه را مساعد و مهیا نمود. همچنان در نتیجه و در نهایت امر، مخالفت های سلیقوی که بیشتر و قبل از همه ریشه در دوران پس از تشکیل کنگرهٔ مؤسس و شکل بندی آن داشت، دوباره سر بلند نموده، آرام آرام گسترش حاصل نموده و عاقبت امر در نتیجه مخالفت های داخلی بویژه میان خلقی هادرمه سنبله سال ۱۳۵۸ خورشیدی منجر به حذف نورمحمد تره کی توسط حفیظ الله امین گردید.

پس از آن مقاومت هایی بشکل بسته و گریخته در مناطق و محلات مختلف کشور آغاز گردیده و با طرح شعارهای از جا نب گرداننده های رژیم جدید مبنی بر اینکه "همه شهروندانی که با ما نیستند، علیه ما می باشند"، پاتش این نار ضایتی ها دامن زد. پیامدهای سیاست های جدید دولت، مداخله اتحاد شوروی که بر بنیاد تقاضای حاکمیت موجود در کشور از قوهٔ بقل مبدل گردید، نه تنها برای شهروندان کشور ما، بلکه برای رژیم اتحاد شوروی نیز فاجعه بار بود. بخاک و خون کشیدن انسان ها، جابجایی های داخلی، مهاجرت ها و هزینه نمودن مبالغ هنگفت و... اسباب تضعیف سیستم سیاسی در اتحاد شوروی را فراهم نموده و صدمات هنگفتی با اقتصاد آن کشور وارد نمود.

با وضعیت اینچینی و با مورد آزمایش قراردادان طیف های مختلف اجتماعی و سیاسی و مراجعه بآدرس های تکنو کرات های قبلی، طرفداران و هوأخواهان سلطنت و... حاکمیت سیاسی کشور، از صحنه کنار زده شده و سرزمین میهن عزیز ما را بمحل آزمایش مبدل نموده و در نتیجه، شهروندان کشور را با مصیبت های فراوانی تنها گذاشتند. اما بخاطر ما باشد که دلایل تسخیر تقریبی بدوم خونریزی و بگونهٔ برق آسای قدرت در کشور توسط "طالب" ها تاکنون هم واضح و میرهن نگردیده و اما عوامل و مواردی موجود می باشد که بیش از هر زمان دیگر، ملیت ها و گروه های مذهبی و اجتماعی را از هم مجزا نموده و اصل بازسازی کشور عزیز ما را بتعویق می اندازد. بدلیل تأثیرات عوامل منفی خارجی، توسعهٔ اقتصاد مواد مخدر و فساد فرأگیر، فرار مغزها و حذف تمامی نخبگان آموزش دیده در امتداد دهه های ۷۰ و ۸۰ سدهٔ پسین، از زندگی اجتماعی - سیاسی از جمله موانع موجود در بازسازی کشور عزیز ما پندا اشته می شود. برین بنیاد، در نیمهٔ دوم سدهٔ روان، تقریبی همه مسؤلان امور و نیروهای مسلح، ساحهٔ تأثیر گذاری و مجموعهٔ حامیان شان را از دست دادند. در شرایط و وضعیت کنونی، حتا یک تن از شخصیت سیاسی هم وجود ندارد که قادر برهبری جنبش سیاسی در کشور باشد، از جانب دیگر، موجودیت ناهمگونی، تضادها و ضد و نقیض گویی های قومی و مذهبی نیز ازویژه گی های "طالب" ها پنداشته می شود.

یکشنبه ۲۹ ماه میزان سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۰ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۴ ترسایی